

## طرح رفع موانع تولید یا نابودی امنیت شغلی زحمتکشان

است، مجلس شورای اسلامی در برخی موارد، بحث و بررسی طرح های معینی را به کمیسیون های خاص واگذار می کند و مصوبه این کمیسیون ها در حکم قانون است که به طور مستقیم به شورای نگهبان ارسال و ارجاع می شود و مجلس فقط میتواند پیرامون مدت زمان اجرایی مصوبه تصمیم گیری کند.

به دنبال آغاز به کار کمیسیون صنایع و معادن مجلس آن هم با شتاب قابل توجه، سخننگوی قانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی به گرمی از طرح مذکور استقبال و مراتب حمایت خود از آن را اعلام داشت.

در عین حال یک مقام دیگر کار فرمایی که نایب رییس سابق اتاق بازرگانی تهران نیز بود، طی

ادامه در صفحه ۲

هم چنان که انتظار می رفت، پس از مدتها بحث و رایزنی سرانجام تصمیم گیری در باره پیش نویس طرحی تحت عنوان رفع موانع تولید و سرمایه گذاری در کمیسیون صنایع و معادن مجلس هفتم آغاز شد. مهم ترین بخش این طرح که، در قالب اصل ۸۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی بررسی می گردد، اصلاح و تغییر برخی مفاد قانون کار به زیان زحمتکشان در چارچوب اجرای نسخه های صندوق بین المللی پول است. نکته پر اهمیتی که باید در ابتدا به آن اشاره کنیم عبارتند از اینکه، ارتجاع حاکم برای تغییر قانون کار و یورش به حقوق کارگران این بار چنان راهی را به لحاظ حقوقی برگزیده است که، در کوتاه ترین زمان و از مناسب ترین امکانات به هدف خود نایل آید. براساس اصل ۸۵ قانون اساسی که طرح رفع موانع تولید در قالب آن در حال بررسی



شماره ۷۵۱، دوره هشتم  
سال بیستم، ۱۸ آبان ماه ۱۳۸۵

### فقر در روستاها، کاهش محصولات کشاورزی و نابودی زمین های زراعی

اعتراض های گسترده برخی تعاونی ها و اتحادیه های کشاورزی کشور به برنامه های دولت احمدی نژاد و هشدار آنان مبنی بر تضعیف بیش از پیش تولیدات بخش کشاورزی و اثرات آن در اقتصاد ملی، بطور جسته و گریخته در رسانه های همگانی بازتاب یافت.

با توجه به سیاست دولت احمدی نژاد که بر واردات بی رویه کالا به خصوص در ماه های اخیر، کالاهای مصرفی تاکید دارد. تولید کنندگان بخش کشاورزی و قشرهای وسیع دهقانان کشور با دشواری های بزرگ روبرو شده اند. در اواخر مهر ماه امسال معاون بازرگانی داخلی وزارت بازرگانی و مدیر عامل شرکت بازرگانی دولتی در گفتگویی با خبرگزاری مهر با اشاره به مصوبه هیات وزیران مبنی بر واردات گندم توسط بخش خصوصی، اعلام کرد. بخش خصوص در چند ماه نخست ۴۰ هزار تن گندم وارد کشور کرده است و این در

ادامه در صفحه ۳

- نگاهی به رویدادهای هفته در ص ۴
- رای مردم به ادامه اصلاحات در ص ۷
- کارزار کمونیست ها در نوار غزه در ص ۷
- انتخابات نیکارگوئه در ص ۸

## رشد حجم نقدینگی، افزایش تورم و تضعیف بنیه تولیدی

های میلیاردی پرداخته شده به این بخش واقعا در چرخه تولید وارد می شود، ندارد، یکی از عوامل موثر در گرانی و گسترش آن این است که میزان مالیات اخذ شده از اشخاص و نهادهایی که در امور غیر تولیدی فعالیت می کنند بسیار کم است، به طوری که میزان مالیاتی که دولت از کل حقوق بگیران می گیرد مساوی با میزان مالیاتی است که از کل افراد با مشاغل آزاد می گیرد این در حالیست که حقوق بگیران جزو ضعیف ترین و آسیب پذیرترین اقشار جامعه هستند ولی رقم نقدینگی که در دست بخش خصوصی است، بسیار قابل توجه است. به علاوه باید اشاره کنیم که، گرانی سرسام آور که اینک گلولی میلیون ها تن از زحمتکشان و قشرهای میانه حال جامعه را در چنگ خود می فشارد به نوبه خود ناشی از پدیده رانت خواری است. این پدیده شامل فعالیت اقتصادی پنهان و نیمه پنهان ده ها نهاد و بنیاد انگلی و سپاه پاسداران و شرکت های به اصطلاح خصوصی می شود که توسط مقامات درجه اول و درجه دوم رژیم و یا خانواده های آنان هدایت می گردد. اینان از امتیازات ویژه و یا به عبارتی رانت های دولتی بهره مند هستند و به دلیل عدم کنترل قانونی بر عملکرد شان شاه رگ اقتصادی و شبکه توزیع کالاها را در اختیار دارند و متناسب با موقعیت و شرایط، بازار را تحت کنترل و هدایت خود می گیرند. این لایه انگلی و غیر مولد از واردات کالا و رواج اقتصاد دلالی سود می برد و خواستار حفظ اوضاع موجود است در حالی که اکثریت قریب به

رشد نگران کننده نقدینگی و پیش بینی رشد بیش از ۴۱ درصدی آن در کنار اوج گیری قیمت ها، فضای حاکم بر کشور را در وضعیتی نگران کننده فرو برده است. بانک مرکزی جمهوری اسلامی در یکی از آخرین برآوردهای خود اعلام داشت: "میزان نقدینگی در پایان تیر ماه سال جاری به ۹۹۴ هزار میلیارد ریال رسید که نسبت به رقم ۷۳۹ هزار میلیارد ریال تیرماه سال ۱۳۸۴ (سال پیش) رشدی معادل ۳/۳۶ درصد را نشان می دهد."

این آمار رسمی در زمانی اعلام گردید که، یکی از اعضای سابق شورای پول و اعتبار کشور در مصاحبه ای با خبرگزاری مهر یادآوری کرد: "افزایش حجم ورشد بودجه در سال ۸۵ ارایه متمم بودجه و هزینه های دولت نرخ رشد نقدینگی را افزایش داده و به تورم دامن زده است... اقتصاد ایران ظرفیت پمپاژ این میزان نقدینگی را ندارد."

رشد نقدینگی و افزایش نرخ تورم دارای ابعاد ژرف اجتماعی-سیاسی و فرهنگی است. دولت احمدی نژاد سیاست واردات بی رویه برای مقابله با گرانی را اتخاذ کرده و این با توجه به اوضاع وخیم اقتصادی بویژه در عرصه تولید، یک فاجعه به تمام معناست. روزنامه سرمایه در تاریخ ۱۸ مهر ماه امسال در این خصوص از قول یکی از کارشناسان اقتصادی، محتوی سیاست دولت را خودکشی اقتصادی و نابودی تولید ملی نامید و از جمله چنین نوشت: "سودهای حاصل از فعالیت اقتصادی صرف امور تولیدی و اشتغال زا نمی شود، دولت نیز کنترل موثری بر بخش خصوصی (غیر مولد و دلال) و این که آیا وام

ادامه در صفحه ۶

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه!"

## ادامه طرح رفع منابع تولید...

گفتگویی با خبرگزاری ایلنا به تاریخ ۸ آبان ماه سال جاری تاکید کرد: "بررسی اصلاح قانون کار در قالب طرح رفع موانع تولید نوعی حمایت کمیسیون صنایع و معادن مجلس از لایحه اصلاح و بازنگری قانون کار، قانون وزارت کار است. زمانی که وزیر کار موضوع اصلاح و بازنگری در قانون کار را مطرح کرد، مدافعان تغییر قانون کار انتظار داشتند خواسته شان هرچه زودتر برآورده شود، اما در عمل ثابت شد که متقاعد کردن حامیان این قانون نیازمند شگرد خاصی است که این امر از عهده وزارت کار خارج است" اقدام اخیر کمیسیون صنایع و معادن دقیقاً همان شگرد خاصی است که ارتجاع برای تغییر قانون کار به سود کلان سرمایه داران و دلالتان عمده اینک به آن متوسل شده است. بر خلاف گفته های سخنگوی کانون عالی انجمن های صنفی کار فرمایی که از وابستگی سرمایه داری تجاری کشور محسوب می شود و مدعی شده: "اصلاح قانون کار در قالب طرح موانع تولید و سرمایه گذاری کمیسیون صنایع ارتباطی با پیش نویس اصلاحیه قانون کار وزارت کار ندارد." با مقایسه این طرح با طرح سابق وزارت کار می توان با قاطعیت اعلام داشت مواد مهم هر دو طرح در خصوص مسایل کارگری تقریباً یکسان است، از جمله می توان به این نکات مشترک اشاره کرد: کاهش حق بیمه سهم کارفرما، حق فسخ یک جانبه قرارداد توسط کار فرما و قانونیت بخشیدن به اخراج های فردی و گروهی بدون هیچ مانع حقوقی، تعطیلی کارخانه ها و واحدهای تولیدی در قالب برنامه کاملاً ضد ملی تغییر ساختار واحدها و آزاد کردن سرمایه داران و صد البته انحصارات فراملی در این زمینه، حذف نقش و جایگاه سازمان های صنفی کارگری مانند سندیکاها و اتحادیه ها در روابط ناظر بر کارگر و کارفرما، قانونیت دادن به عقد قراردادهای موقت و جز اینها.

به این ترتیب برنامه یورش به حقوق کارگران و زحمتکشانشان در چارچوب اصلاح قانون کار وارد مرحله نوین و یا به عبارتی اجرایی گردیده است. یکی از اعضای کمیسیون صنایع و معادن در خصوص چگونگی روند بررسی و تصویب طرح رفع موانع تولید به خبرگزاری کار ایران ایلنا گفته است: "نباید یک طرح را در قالب یک ماده آن تعریف و یا تخریب کرد، بلکه باید کارایی و نتیجه نهایی این طرح بررسی شود. تاکنون چهار ماده این طرح بررسی و به تأیید نهایی اعضای کمیسیون رسیده است". از سوی دیگر در مخالفت با طرح مذکور که به شدت ماهیت ضد کارگری دارد، رییس سابق کانون عالی شوراهای اسلامی اعلام می دارد: "در این طرح رد پای وزیر کار و معاون او به چشم می خورد. طراحان پیش نویس اصلاح قانون کار و رفع موانع تولید از یک مکتب هستند و قصد دارند که امنیت شغلی نیروی کار را به کلی زیر سوال ببرند و اخراج را آزاد کنند. اقدام کمیسیون صنایع و معادن مجلس پیروی از اهداف وزیر کار است. در کشوری که می خواهیم اقتصاد صنعتی را محقق بخشیم و عدالت اجتماعی و اقتصادی جای سازیم این گونه مباحث جای تامل دارد. این طرح طیف وسیعی از جامعه را شامل خواهد شد و به نفع کارفرمایان دولتی ست." یکی از موارد موجود در طرح رفع موانع تولید، پیشنهاد پرداخت دستمزد به میزان ۳۰٪ کمتر از مصوبه شورای عالی کار به آن دسته از کارگران به ویژه کارگران جوان است که به عنوان کارآموز در مراکز صنعتی - تولیدی و خدماتی مشغول به کار می شوند. این به معنای آن است که در صورت تصویب این طرح هزاران جوان کارگر مجبور خواهند شد با سطح دستمزدی کمتر از آنچه شورای عالی کار تعیین می کند به فروش نیروی کار خود تن در دهند. علاوه پیشنهادت ارائه شده در طرح مذکور، اخراج های گسترده و گروهی بدون هیچ گونه، تاکید می کنیم، هیچ گونه مانع قانونی رواج خواهد یافت و تازه امکان بازگشت کارگر به کار در صورت شکایت و رای مراجع قانونی به نفع او وجود نخواهد داشت. فقط کارفرمایان حداکثر باید ۲۴ ماه غرامت به کارگر پرداخت کنند که ۱/۳ از این میزان به صندوق بیمه بیکاری پرداخت خواهد شد یعنی اینکه کارگران و نه کارفرمایان اندوخته سرمایه صندوق بیمه بیکاری را می پردازند.

بنابراین، طرح رفع موانع تولید و سرمایه گذاری بخشی از برنامه ها و سیاستهای کلی است که رژیم ولایت فقیه در چارچوب سمت گیری اقتصادی - اجتماعی خود مطابق با نسخه ها و فرامین صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در حال پیاده کردن است. این طرح به شدت ضد کارگری منجر به نابودی امنیت شغلی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشانشان میهن ما خواهد شد و باید قاطعانه و با استفاده از همه گونه امکانات با آن به مخالفت و مبارزه برخاست.

## ادامه فقر در روستاها...

حالیست که اغلب کارشناسان امور کشاورزی، به صراحت تاکید می کنند، واردات وسیع گندم، آنهم توسط بخش خصوصی و بدون کنترل دولت با طرح خود کفایی گندم تناقض دارد و سبب ورشکستگی روستاییان تولید کننده گندم می گردد. علاوه بر این مسئولان اتحادیه مرکزی دامداران ایران نسبت به حذف یارانه سبوس، کاهش نرخ پایه شیر خام اعتراض کردند. این اعتراض زمانی بیان شد که، دولت احمدی نژاد پس از حذف تعرفه ۱۵ درصدی واردات گوشت قرمز، تعرفه واردات شیر خشک را نیز کاهش داده و درصدد حذف کامل آن است. مدیر عامل اتحادیه مرکزی دامداران به خبرگزاری فارس به تاریخ ۱۶ مهرماه در این خصوص خاطر نشان ساخت: "هیچ کمبودی برای صنایع فرآوری شیر از نظر شیرخام وجود ندارد و کاهش تعرفه واردات شیر خشک به ضرر دامداران و روستاییان است. حذف تعرفه ۱۵ درصدی واردات گوشت تولید داخلی را متضرر ساخته، هزینه تمام شده گوشت برای کشورهای خارجی ۷ تا ۸ هزار تومان هر کیلوگرم است ولی برای ضربه زدن به تولید جهان سوم آن را به قیمت ۱۳۰۰ تومان وارد کشور می کنند. بقیه آن از جانب کشورهای تولید کننده یارانه پرداخت می شود... قیمت سبوس یک بار ۲۰ درصد برای بار دوم ۱۰۰ درصد افزایش پیدا کرد، بنابر این آیا می خواهند تولید کننده به یکباره از صحنه تولید خارج شود، حذف یارانه سبوس به عنوان تنها عامل حمایت از دامداران خرید و کوچک و سنتی ایران به ضرر تولید تمام می شود و باعث بیکاری دامداران روستایی می شود ولی دولت سالانه مجوز واردات ۳۰ تا ۴۰ هزار تن گوشت قرمز می دهد واز دامدار داخلی حمایت نمی کند..."

در همین حال نایب رییس اتحادیه صادر کنندگان میوه و تره بار گفت: "در شش ماهه نخست امسال ۹۲ میلیون دلار میوه وارد کشور شده است". وی تصریح کرد این امر باغداران و هزاران روستایی را به مرحله نابودی و فقر کشانده است. چرا مسئولان که شعار وارد کردن ارز به داخل کشور را می دهند ولی درعمل ۹۲ میلیون دلار ارز برای وارد کردن میوه، میوه ای که مرغوب تر از آن در کشور به بار می آید فرستاده اند. همه این اعتراض ها نشانگر نارضایتی عمیق تولید کنندگان بخش کشاورزی و میلیون ها دهقان میهن ما از سیاست های ضد مردمی رژیم ولایت فقیه و دولت دست نشانده آن است.

این برنامه ها و سیاست ها برخلاف شعارهای عوام فریبانه با سرعت در حال اجرا است. در این خصوص عضو کمیسیون کشاورزی مجلس هفتم درگفت وگو با خبرگزاری فارس با صراحت اعتراف می کند: "متأسفانه هر موقع بحث مبارزه با گرانی و کاهش قیمت ها طرح می شود، ضعیف ترین اقشار جامعه و کسانی که هیچ وقت صدایشان به جایی نمی رسد یعنی تولید کنندگان بخش کشاورزی به مسلخ کشیده می شوند. امروز شاهدیم به بهانه های مختلف که قرار است در سازمان تجارت جهانی وارد شویم و هم اکنون نیز به عنوان ناظر می توانیم تولید را رقابت پذیر کنیم به راحتی مهمترین بخش اقتصادی کشور که با امنیت غذایی مردم سرو کار دارد را نشانه می رویم، امروز وقتی صحبت از پایین آوردن نرخ برخی کالاها می شود بلافاصله پس از آنکه محصولات تولیدی ما به بازار فروش برسد می بینیم به راحتی محصولاتی از خارج با تعرفه ای صفر وارد می شود، ما نتوانسته ایم فاصله بین بازار مصرف و مرحله پس از تولید محصولات کشاورزی را ساماندهی کنیم، این قسمت دچار

## ادامه فقر در روستاها ...

اشکالات اساسی بویژه دلالی و واسطه گری گردیده است... این اعتراف صریح یکی از نمایندگان رژیم در مجلس به خوبی ژرفای تسلط بازرگانان و دلالان و تاجر عمده در اقتصاد کشور را نشان می دهد. بر اثر همین واقعیت است که بخش کشاورزی و میلیون ها دهقان ایرانی در وضعیتی وخیم و ناگوار قرار دارند.

دولت ارتجاع در حالی که انواع تسهیلات را برای تاجر عمده و دلالان فراهم می سازد حاضر نیست حتی بدهی کشاورزان مناطق دچار خشکسالی را بخشوده و یا تخفیف قابل ملاحظه ای برای آن قابل شود. چندی پیش قائم مقام بانک کشاورزی ایران اعلام داشت که، اغلب کشاورزان اقدام به پرداخت بدهی های خود نکرده اند و دولت برای آنها ۶ درصد جریمه دیر کرد مقرر کرده است! همین مقام تصریح کرد در سال ۱۳۸۴ بالغ بر ۱۷ درصد مطالبات معوق سیستم بانکی، متعلق به بخش کشاورزی بوده است، اکنون برای جلب نظر دهقانان و وا داشتن آنها به پرداخت بدهی خود به دولت (این بدهی ها وجوهی است که عمدتاً به خاطر خشکسالی و سوانح طبیعی مانند سیل و زلزله به روستاییان پرداخت شده و با توجه به فقر گریبانگیر روستاییان، آنها حتی قادر به پرداخت حداقل این بدهی ها هم نیستند) تصمیم گرفته شده، کشاورزانی که تا پایان ۹ ماه امسال اقدام به بازپرداخت بدهی های معوق خود کنند از پرداخت ۶ درصد جریمه دیر کرد معاف خواهند شد. باید گفت دولت عدالت محور ارتجاع چه مهرورزی سخاوتمندانه ای در برابر دهقانان از خود به نمایش می گذارد! و جالب اینجاست دبیر کل اتاق تعاون ایران در جریان نشست مشترک با نمایندگان فراکسیون تعاون و جهاد کشاورزی اعلام می دارد که، ایران یکی از قطب های اصلی کشاورزی در جهان است و می توانیم خود را مطرح کنیم، مشکل میدان ندادن به تشکل های موجود و حضور دولت در معافیت های اقتصادی است و البته این مقام مسئول سپس معترف می شود که بخش کشاورزی با چالش های زیادی روبرو است. مطابق آماري که در این نشست ارایه شد، تاکنون نزدیک به ۲۷ هزار شرکت تعاونی و اتحادیه کشاورزی به ثبت رسیده است و حدود ۲۵ هزار تعاونی تحت پوشش وزارت تعاون و ۲ هزار تعاونی تحت پوشش وزارت جهاد کشاورزی هستند. اما این تعاونی ها در برابر واسطه ها و بطور کلی سیستم توزیع که در چنگ تاجر بزرگ قرار دارد، عملاً کاری از پیش نمی برند. درارتباط با مساله تعاونی ها و نقش آن در بخش کشاورزی و تامین منافع زحمتکشان روستا، باید تاکید کنیم بر خلاف تبلیغات رژیم ولایت فقیه تعاونی های موجود قادر به ایفای نقش اصلی خود به دلایلی از جمله محتوی سمت گیری اقتصادی - اجتماعی رژیم و دخالت مستقیم در نحوه اداره تعاونی ها و بی توجهی به حضور دهقانان در هدایت این تعاونی ها، نیستند. ایجاد شرکت های تعاونی و یا احیاء آنها بر پایه تعاونی های موجود باید بی کم و کاست تحت اداره مستقیم خود کشاورزان و با همکاری آنان صورت بیذیرد. به علاوه، تقویت و گسترش نقش تعاونی ها در روستا و تولید کشاورزی با حل ریشه ای مساله زمین به سود دهقانان بی زمین و کم زمین و پایان دادن به وضعیت اسف بار توده های دهقانی در پیوند مستقیم قرار دارد و بدون آن امکان پذیر نخواهد بود. به همین جهت، شعارهایی نظیر "ایران قطب تولید کشاورزی" است و یا هزاران شرکت تعاونی وجود دارد، سراسر پوچ و در بهترین حالت به صورت خیالبافی باقی خواهد ماند. ساختار تولید کشاورزی تاثیر زیادی در گوناگونی ترکیب اقتصاد ملی دارد و به همین سبب یکی از عوامل موثر رشد اقتصادی است.

اما شاهد هستیم در اثر برنامه های مخرب رژیم ولایت فقیه و پیروی آن از دستورات صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، تولید کشاورزی و به دنبال آن زندگی میلیون ها دهقان در بدترین شرایط قرار گرفته است. فقر در روستاها، کاهش محصولات کشاورزی و نابودی زمین های زراعی و باغات، نشانه های روشن این روند روبه اضمحلال و خطرناک است!

## ادامه رای مردم برزیل ...

داد که فاصله ی طبقاتی را کاهش دهد و تحصیلات در سطح کشور را گسترش دهد تا برزیل بتواند در زمره ی کشورهای پیشرفته در سیاست، اقتصاد و بازرگانی قرار بگیرد. موفقیت لولا در پیشبرد طرح های مبارزه با فقر، افزایش حداقل دستمزد، ایجاد تسهیلات بهتر برای تحصیل کودکان و مبارزه با خصوصی سازی بی رویه ای که پیش از به قدرت رسیدن دولت او وجود داشت، از عواملی بودند که توانستند اعتماد کافی در مورد لولا را در میان مردم ایجاد کنند و پیروزی او در دور دوم را تضمین کنند. مردم برزیل نشان دادند که خواستار اصلاحات هستند و برغم تبلیغات منفی بر ضد دولت لولا، آنچه را که در عمل دیده اند، ملاک رای خود قرار می دهند و از آن پشتیبانی می کنند. آنها نشان دادند که می توانند شعارهای پوچ و بی پشتوانه نیروهای راست و عملکرد های مثبت و مترقی را تفکیک کرده و تشخیص دهند. پیروزی لولا برای دومین دوره، راه را برای پیشبرد اصلاحات در عرصه ی داخلی برزیل و همکاری های سیاسی و اقتصادی با سایر نیروهای مترقی منطقه باز خواهد کرد.



## بدرود رفیق علی

رفیق علی پاشا باقری در سال ۱۳۲۴، در حالی که کارگری ۱۵ ساله بود، به عضویت حزب توده ایران در آمد. و از همان آغاز به خاطر آزاد اندیشی، شجاعت و عدالت خواهی، احترام یاران هم‌رزمش را برانگیخت و مسئولیت های مهمی را به دوش گرفت. با کودتای سیاه ۲۸ مرداد و سرنگونی حکومت ملی محمد مصدق، ده ها تن از اعضای حزب توده ایران به جوخه های آتش سپرده شدند و هزاران تن از آنان روانه زندان ها و تبعیدگاه ها شدند. رفیق علی، این توده ای جوان، هم به زندان افکنده شد. او با تحمل دلیرانه دوران زندان، سرفراز به جمع یاران مبارز خود بازگشت. در سال های دشوار پس از کودتا، لحظه ای از روشنگری، یاری به رفقای زندانی و خانواده شهیدان و ترویج نظرات حزب توده ایران باز نایستاد و به این خاطر بارها از سوی ساواک، احضار و مورد بازجویی قرار گرفت.

با شعله ور شدن آتش انقلاب مردم، در صفوف خلق رزمید و خود و خانواده اش مورد تعقیب حکومت نظامی قرار گرفتند. با پیروزی انقلاب، بار دیگر به حزب توده ایران پیوست و با تمام توان به این رزم سراسر مخاطره و افتخار گام نهاد.

در سال های مبارزه علنی حزب، خانه او به خانه حزب تبدیل شد. حوزه های بسیاری در خانه او تشکیل می شد و رفقای حزبی خانه او را خانه خود می یافتند. اما دشمنان دوست نمای مردم، زودتر از آنچه انتظار می رفت، ماسک از چهره هولناک خود برداشتند و سرکوب زحمتکشان و سازمان های آنان - از جمله سازمان حزب توده ایران - را آغاز کردند. این بار رژیم تجربه تمام جنایت های رژیم پیشین را اندوخته بود و دد منشانه تر از هر زمان دیگر دست به سرکوب، بازداشت و کشتار مبارزان زد.

رفیق علی و خانه اش مورد هجوم قرار گرفت. او و همسرش را ماموران مسلح در خانه بازداشت کردند و فرزندانش را به زندان بردند. اما او بیدار نبود که از این بادهای بلرزد. این کارگر آگاه توده ای که اطلاعات وسیعی از تاریخ مبارزات خلق ها و جنبش کارگری داشت، نه تنها از مبارزه بازماند، بلکه از رفقای خود بود که با آتش درون خود، در شب استبداد و جنایت، راه مقاومت و از خودگذشتگی را به یاران جوان خود نشان می داد. او دوباره به یاری زخم دیدگان و خستگان شتافت، بار دیگر روزنامه "مردم" و دیگر نشریات مترقی را به خانه یاران برد و با سخنان خود به آنان آگاهی و امید بخشید. رفیق علی یک رزمنده واقعی راه آرمان های توده ایش بود که وظیفه تاریخی طبقه اش را به خوبی می شناخت و با تمام وجود در راه پیروزی زودتر این امر اجتناب ناپذیر می کوشید.

در او خستگی راهی نداشت و امید در قلبش شعله فروزنده ای بود که خاموشی نمی گرفت. یادش گرمی و راهش پر رهرو باد.



### \* درخواست اعزام یک هیات حقیقت یاب کارگری

در ادامه مبارزات کارگران میهن ما و برای جلب همبستگی بین المللی با حقوق کارگران و زحمت کشان ایران، در هفته گذشته نامه‌ای توسط سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه منتشر گردید. در این نامه که مخاطب آن دبیرکل فدراسیون جهانی کارگران است، ضمن برشماری موارد نقض حقوق کارگران و ادامه فشارهای وارده علیه کارگران و فعالین کارگری از نهادهای کارگری جهان از جمله مقامات مسئول حقوق بین المللی کار درخواست شده است که با اعزام یک کمیسیون حقیقت یاب به ایران ضمن همبستگی و پشتیبانی از کارگران و زحمت کشان با مشکلات و دشواری های کارگران از جمله فعالین سندیکای کارگران شرکت واحد از نزدیک آشنا شوند. در این نامه تاکید شده است که فرستادن یک هیات حقیقت یاب تاثیر مهمی در رعایت و اجرای استانداردهای حقوق بین المللی کارگران ایران خواهد داشت.

در بخش هایی از این نامه ضمن تشکر از همبستگی نهادهای کارگری جهان از مبارزات کارگران رنج دیده ایرانی، آمده است: به آگاهی می رساند برخلاف همه تلاش ها و مراجعات مکرر و ارسال نامه های متعدد به مقامات مسئول وزارت کار و شخص وزیر، رسیدگی به شکایت کارگران و رعایت حق بازگشت به کار بیش از پنجاه تن از فعالان سندیکایی اخراج شده از کار که به علت دستگیری و زندانی شدن توسط ماموران وزارت اطلاعات در جریان اعتراضات صنفی کارگری بهمن ماه ۱۳۸۴ انجام گرفت، تاکنون هیچ اقدام مثبتی از طرف وزارت کار به عمل نیامده است. این فعالان سندیکایی فقط به دلیل آگاهی به حقوق خویش و دفاع از حق آزادی های سندیکایی و مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ تحت پیگرد و تعقیب دائمی قرار دارند. به عنوان نمونه اخیرا دو تن از رانندگان شاغل در شرکت واحد و دوستدار سندیکا به دلیل مهمانی دادن افطاری ماه رمضان برای چند تن از فعالان سندیکایی، به اداره ی حراست

شرکت واحد احضار شده و ساعت ها مورد بازجویی قرار گرفته و ضمن ایجاد ترس و دلهره نامبردگان را تهدید به اخراج از کار کرده اند. رفتارهای این گونه مرتبا تکرار می گردد. پیرو شکایت بسیاری از کارگران اخراجی، اخیرا نامه مبنی بر رعایت حقوق کارگران اخراجی از طرف دادگستری کل استان تهران و دادگاه حقوق شهروندی به قالیباف شهردار تهران به عنوان مدیریت عالی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران ارسال گردیده که تاکنون نتیجه مثبتی برای کارگران نداشته است. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و کارگرانی که بیش از ده ماه است برخلاف قوانین و مقررات بین المللی و داخلی از حقوق خود محروم گشته اند. ابتدا از شما آقای کاک رافت و از طریق شما از آقای گای رایدر و دیگر مقامات مسئول حقوق بین المللی کار و دیگر سازمان های کارگری مربوطه دعوت می نمایم جهت آشنایی و رسیدگی به مسائل و مشکلات عمومی کارگران ایران به ویژه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، هیات حقیقت یاب کارگری را به ایران اعزام نماید. اقداماتی این گونه تاثیراتی عمیق در رعایت و اجرای استانداردهای حقوق بین المللی کارگران ایران نظیر مقاله نامه های ۸۷، ۹۸ ILO و گسترش عدالت اجتماعی و صلح خواهد داشت. با امید به رعایت حقوق کارگران ایران و جهان و گسترش صلح و عدالت اجتماعی.

### \* انتخابات شوراهای و رد صلاحیت های وسیع اصلاح طلبان

با نزدیک تر شدن زمان انتخابات شوراهای موضوع تایید صلاحیت یا رد صلاحیت کاندیداهای این انتخابات به یکی از داغ ترین بحث های نیروها و جناح های موافق به شرکت در انتخابات شوراهای شده است. در این میانه، بین نیروهایی وابسته به گرایش اصلاح طلبان نگرانی های فزاینده یی دیده می شود. طیفی از این گرایش نگران این است که مبدا شعار شرکت و حضور در انتخابات و ارایه لیست و کاندیدا شدن برای انتخابات شوراهای، تبدیل به حضور بدون کاندیداهای در انتخابات بشود. شکی نیست که نیروهای وابسته به استبداد و انحصار طلبان که پس از تسخیر کرسی ریاست جمهوری اینک به نهادهای دیگری هم چون مجلس خبرگان و انتخابات شوراهای می اندیشند، همه تلاش های خود را به کار می برند، تا مانع ورود طیف ها و جناح های دیگر بشوند. بنابراین براساس گزارش هایی که تا به امروز منتشر شده است، دور از ذهن نیست که بسیاری از کسانی که برای انتخابات شوراهای ثبت نام کرده اند، رد صلاحیت شوند. سوال این جا است که این نیروها و طیف ها در این صورت چه تصمیمی خواهند گرفت؟ آیا بازهم مایل به شرکت در انتخابات خواهند بود یا این که موضوع شرکت خود را در انتخابات شوراهای مشروط به داشتن امکان ارایه کاندیداهای خود خواهند کرد؟ این پرسشی است که در این هفته مورد بحث و تبادل نظر بوده است. زیرا که برخی از خبرها حکایت از رد صلاحیت بسیاری از کاندیداهایی که برای حضور در انتخابات شوراهای ثبت نام کرده اند، می کنند. برای نمونه سایت آفتاب با بازتاب برخی از گزارشات نوشته است که برخی منابع خبری در مشهد ادعا کرده اند که نامزدهای اصلی اصلاح طلبان در انتخابات شوراهای رد صلاحیت شده اند و به همین خاطر، بعید به نظر می رسد که اصلاح طلبان امکان شرکت در انتخابات این شهر را پیدا کنند. در این خبر اشاره شده که چهره هایی چون محمد رضا حیدری مدیرکل سابق دفتر سیاسی استانداری خراسان، خانم گندمی عضو سابق شورای شهر، فرزین رییس سابق شورای شهر و مشاور شهردار مشهد، دری عضو شورای شهر اول مشهد و سید جواد حسینی فرماندار سابق مشهد از سوی هیات اجرایی رد صلاحیت شده اند. البته تا کنون این موضوع از سوی مقامات رسمی تایید نشده است. ولی با توجه به سابقه "درخشان" نیروهای انحصارطلب بعید نیست که این گونه رد صلاحیت ها صورت گرفته باشد منتها رژیم از اعلام رسمی آن ها امتناع می کند. بی جهت نیست که آفتاب می نویسد که تماس خبرنگار آفتاب برای کسب خبر از منابع رسمی مربوطه در مشهد نیز به هیچ نتیجه ای نرسید. مساله دیگری که در این هفته در محافل دانشجویی بازتاب داشت، این است که در برخی شهرها از جمله مشهد تعدادی از نامزدهای انتخابات به هیات های اجرایی دعوت شده اند و به آنها اعلام شده تا برای آنکه با رد صلاحیت روبرو نشده و سوء سابقه ای در پرونده شان ثبت نشود، "داوطلبانه" از کاندیداتوری خود انصراف دهند. البته این "لطف" و "مرحمت" هیات های رسیدگی بیشتر نشان از تهدید آن دسته از نامزدهای مزاحم دارد تا نگرانی از موضوع سوء سابقه در پرونده این افراد.

شکی نیست که با نزدیک شدن زمان انتخابات جریان رد صلاحیت های وسیع از پرده بیرون خواهد افتاد. ولی این بدان معنا نیست که اختلافات و درگیری های جناح ها و گروه های درگیر خاتمه خواهد یافت. واقعیت موجود نشان می دهد که دعوا بر سر تصاحب کرسی ها چه در انتخابات خبرگان و چه در انتخابات شوراهای ادامه خواهد داشت. در همین ارتباط یک سایت نزدیک به دانشجویان حزب الله به نام "مطالبه" از اختلاف و درگیری میان سران جناح راست با نیروهای این گروه برای تهیه فهرست انتخابات شوراهای خبر می دهد. سایت "مطالبه" که خود را ارگان جنبش عدالتخواه دانشجویی معرفی می کند، می نویسد: "در حالی که رایزنی ها درباره لیست های انتخاباتی شوراهای بالا گرفته است، جناح راست موسوم به جبهه پیروان خط امام و رهبری از شکاف موجود میان ایشان و نیروهای حزب اللهی هراسناک گشته و اقدامات گسترده ای را برای جلب نظر ایشان آغاز کرده است".

## ادامه نگاهی به رویدادهای هفته ...

## \* جانباختن کارگران بر اثر سوانح کاری

بر اساس اخباری که در برخی مطبوعات منعکس شده است، تنها در طی سال گذشته صد کارگر به دلیل حوادث ناشی از کار جان خود را از دست دادند. باید تاکید کرد که این رقم فقط شامل جانباختن کارگرانی است که علت اصلی مرگ آن‌ها گزارش شده و به ثبت رسیده است. زیرا بر اساس گزارش‌های منتشر شده رقم واقعی مرگ و میر کارگران که ناشی از سوانح کاری و عدم برخورداری از ایمنی لازم اتفاق می‌افتد، در ایران بیش از این آمار می‌باشد. این امر بویژه در شهرستان‌ها و مناطق دورافتاده کشور، که کنترلی بر ثبت سوانح کاری وجود ندارد، بسیار بیشتر است از آمارهای که گزارش می‌شوند. بدون دلیل نیست که استان‌های تهران و اصفهان به ترتیب دارای بیشترین رقم حوادث ناشی از کار هستند. زیرا در این استان‌ها کنترل و نظارت و ثبت حوادثی که به وقوع می‌پیوندد، بیشتر از سایر استان‌های کشور است. بر طبق گزارشی که دفتر آمار و محاسبات اقتصادی و اجتماعی سازمان تامین اجتماعی آن را منتشر کرده است، می‌توان نسبت سوانح و حوادث ناشی از کار را به وضوح مشاهده کرد. هرچند که این آمار کامل و همه‌جانبه نیست، ولی موارد ذکر شده در آن تصویری از آن‌چه کارگران و زحمت‌کنان ما از نظر رعایت مسایل ایمنی و عدم برخورداری کافی از حقوق خود در این زمینه، به دست می‌دهد. برای مثال طی بررسی‌هایی که طی سال‌های ۸۰ تا ۸۴ صورت گرفته است، نشان می‌دهد که ماه‌های فصل تابستان از پرحادثه‌ترین ماه‌های سوانح کاری بشمار می‌آیند. عمده‌ترین سوانح کاری عبارت‌اند از سقوط کردن از ارتفاع و لغزیدن، ضرب خوردگی، بریدگی، قطع و شکستگی اعضاء بدن. با توجه به نوع صدمات و جراحات وارده، چنین برداشتی می‌شود که برخی از مشاغل مانند کارگران ساختمانی، فلزکاران یا کارگرانی که به نحوی با فلزات سر و کار دارند، کارگران الکتریک و کارگرانی که در حین تولید با ماشین کار می‌کنند، دچار بیشترین سوانح و حوادث کارگری می‌شوند. خطر این گونه سوانح وقتی دوچندان می‌شود، که موارد ایمنی مانند، لباس، کفش و کلاه ایمنی رعایت نشده یا کارگران از داشتن این موارد محروم بوده‌اند. گزارش‌های منتشره نشان می‌دهد که بیشترین حوادث کاری که منجر به مجروح شدن و در بدترین حالت مرگ کارگران می‌شود، بین ساعات ۱۰ تا ۱۱ صبح یا در حین شب کاری به وقوع می‌پیوندد. اگر از موضوع بی‌احتیاطی و عدم رعایت موارد ایمنی کار، که بدیهی است درصدی از آمار سوانح کاری را تشکیل می‌دهد بگذریم، باید به مواردی اشاره کرد که مستقیماً ناشی از شرایط دشوار کار و زندگی کارگران ناشی می‌شود. برخی از این موارد عبارت‌اند از طولانی بودن ساعات کار و اضافه کاری نامحدود کارگران و زحمت‌کنان، صرفه‌جویی در خرید و عدم آرایه لباس ایمنی مناسب به کارگران توسط کارفرمایان، عدم آشنایی و نداشتن امکان آموزش کارگران برای پیش‌گیری از سوانح و... با نگاهی به شرایط طاقت‌فرسای کارگران و زحمت‌کنان میهن ما به‌خصوص تلاش برای تامین حداقل معیشت و فقر موجود، می‌توان این لیست را هم‌چنان ادامه داد. ولی به باور ما، مهم‌تر از هر مورد دیگری همانا نبود سندیکاهای مستقل کارگری است که بدون تردید می‌توانند نقش جدی در آگاه کردن کارگران به حقوق خود داشته باشند. علاوه بر این وجود سندیکاهای مستقل کارگری و نقش آن در سازماندهی کارگران برای پیشبرد خواسته‌های خود از جمله ایمنی شغلی و کاهش ساعات کار و ممنوع کردن شب کاری در مشاغل پرخطر مستقیماً با زندگی و سلامت کارگران و زحمت‌کنان میهن ما ارتباط دارد.

## \* اعتراض نهضت آزادی ایران به فشارهای امنیتی وزارت

## اطلاعات رژیم

نهضت آزادی ایران اخیراً در یک نامه اعتراضی به محسن اژه‌ای وزیر اطلاعات، با برشمردن موارد عدیده‌ای از نقض حقوق شهروندی و

ممانعت از برگزاری جلسات نهضت آزادی به بهانه‌های واهی هم چون "حساس یا خطیر بودن اوضاع" و... به اقدامات وزارت اطلاعات و تهدیدات مقامات مربوطه به شدت اعتراض کرده است. خطاب این نامه هرچند وزارت اطلاعات رژیم است ولی نهضت آزادی ایران رونوشتی از آن را برای رئیس جمهوری، رئیس قوه قضاییه و رئیس مجلس جهت رسیدگی ارسال کرده است. متن این نامه که آن را "میزان نیوز" منتشر کرده به خوبی گوشه‌هایی از تهدیدات امنیتی و تضيیقات نیروهای استبداد را نشان می‌دهد. ما بخش‌هایی از این نامه اعتراض‌آمیز را به عنوان نمونه منعکس می‌کنیم تا نیم‌رخ از آن‌چه که بر نیروهای دگراندیش - آن‌هم با اعتقادات مذهبی - می‌گذرد، نشان دهد. بنابراین از این مجمل می‌توان حدیث مفصلی خواند و به سیاست سرکوب و وحشیانه و خونین سایر احزاب و سازمان‌های آزادی‌خواه و دارای باورهای دیگر که در طی بیش از دو دهه گذشته قربانی جنایات رژیم و به‌ویژه سازمان امنیتی و وزارت اطلاعات آن شده‌اند اندیشید. در این نامه از جمله چنین آمده است:

"اخیراً مأموران وزارت اطلاعات دامنه و گستره فشار بر نهضت آزادی ایران را افزایش داده، فعالیت‌های بسیار محدود آن راه، محدودتر ساخته‌اند. این گونه رفتارها علی‌الاطلاق خلاف قانون اساسی و دیگر قوانین ذی‌ربط، از جمله قانون تأسیس وزارت اطلاعات است.

وظیفه اصلی وزارت اطلاعات گردآوری اطلاعات است، نه عملیات امنیتی. به گفته رئیس جمهور سابق، آقای سیدمحمد خاتمی، وزارت اطلاعات باید چشم نظام باشد، نه مشیت آن. در دوران استبداد سلطنتی، ساواک - سازمان اطلاعات و امنیت کشور - تأسیس شد و کارنامه بسیار زشتی، دست کم در بعد داخلی، داشت. پس از پیروزی انقلاب، ضمن تشخیص ضرورت ایجاد یک نهاد اطلاعاتی، به هنگام بحث، بررسی و تصویب قانون وزارت اطلاعات در مجلس، به این نکته توجه شده بود که وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی به سرنوشت ساواک رژیم شاه دچار نشود." در ادامه این نامه هشدار دهنده به ذکر موارد فشار و ایجاد مانع بر سر راه فعالیت محدود این نیرو اشاره است: "مأموران وزارت اطلاعات در تهران و شهرستانها، به طور منظم و مکرر اعضای نهضت آزادی را احضار می‌کنند و آنان را با تهدیدهای مؤذنه یا تطمیع‌های سخاوتمندانه به خروج از نهضت آزادی یا همکاری با وزارت اطلاعات دعوت و تشویق می‌کنند. در زیر اصل ۲۶ قانون اساسی آمده است که هیچکس را نمی‌توان از شرکت در احزاب و گروهها و انجمن‌های غیردولتی منع کرد و یا به شرکت در آنها مجبور ساخت. به موجب اصل ۲۳ قانون اساسی، "تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد." اما مأموران وزارت اطلاعات در برخورد با اعضای نهضت آزادی به قلمرو اعتقادات و اندیشه‌های دینی آنان نیز وارد می‌شوند و براساس آن بر سر راه فعالیت‌های فکری نیز موانع و محدودیت‌هایی ایجاد می‌کنند.

مأموران وزارت اطلاعات با شیوه‌های غیرقانونی مانع تشکیل جلسات نهضت آزادی می‌شوند. به عنوان نمونه، هنگامی که نهضت آزادی ایران برای آموزش برخی از اعضای جدیدش جلسه‌ای داخلی در خانه یکی از اعضا ترتیب داده بود، مأموران اطلاعات با احضار و تهدید صاحب خانه، او را از برگزاری آن جلسه ممنوع ساختند.

اخیراً نیز، که نهضت آزادی ایران برای تشکیل یک جلسه داخلی و محدود از اعضایش دعوت کرده بود، همین برنامه را تکرار کردند و یکی از دلایل آن را حساس بودن وضع کنونی کشور اعلام کردند. متأسفانه، از آنجا که در دهه‌های اخیر کشورمان در مقاطع مختلف شاهد اوضاع بحرانی و حساس، عمدتاً یا بعضاً به خاطر اتخاذ سیاستهای نادرست از سوی دولت‌مردان حاکم بوده است، مأموران حکومت همواره از بهانه "حساس یا خطیر بودن اوضاع برای محدود کردن فعالیت احزاب و گروههای منتقد استفاده کرده‌اند، در حالی که به موجب نص صریح اصل نهم قانون اساسی، آزادی را حتی به بهانه حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور نیز نمی‌توان محدود کرد."

**آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!**

## ادامه رشد حجم نقدینگی ...

اتفاق تولید کنندگان داخلی در آستانه ورشکستگی قرار دارند. در این رابطه ابراهیم رزاقی، استاد دانشگاه و کارشناس مسایل اقتصادی، در مصاحبه با روزنامه سرمایه به تاریخ ۱۸ مهره ماه، به درستی خاطرنشان می سازد: "هر دولتی که ذهنیت و تفکر نولیبرالی داشته و اقتصادش غیر تولیدی و وابسته به واسطه گری باشد، قادر به کنترل معضل گرانی نخواهد بود، در حال حاضر قدرت واسطه گران و بازرگانان آن چنان در اقتصاد ایران تعیین کننده است که چشم انداز مثبت و روشنی درخصوص کنترل گرانی ها نمی بینیم چون این افراد بنا به نفع شخصی سعی در حفظ شرایط دارند، سیاست واردات کالا از محل افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی برای مقابله با معضل گرانی یک خطای فاحش است، امسال نسبت به سال قبل میزان واردات کالا ۱۰ میلیارد دلار افزایش داشته است."

این سیاست ضد ملی دولت احمدی نژاد یعنی واردات برای مقابله با گرانی، ثروت ملی کشور را به تاراج می دهد و باعث گسترش رکود و تعطیلی واحدهای تولیدی می گردد. طبق آمار انتشار یافته از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی که خبرگزاری فارس به تاریخ ۲۳ مهرماه آن را منتشر ساخت، در شش ماهه اول سال جاری ۲۴ هزار و ۷۸۹/۶ میلیون دلار بابت صادرات نفت خام حاصل شد که این مبلغ در مقایسه با رقم مصوب ۶ ماهه در قانون بودجه سال ۸۵ حدود ۸/۲۴۷ درصد تحقق یافته است. با توجه به این مبلغ هنگفت باید پرسید، این ثروت متعلق به مردم چگونه و در کدام عرصه ها هزینه می شود؟ چرا با وجود چنین درآمدهای مردم میهن ما در فقر بسر می برند و سطح زندگی و در آمد آنها مرتب و بی وقفه با کاهش روبروست؟! بر اساس آخرین گزارش صندوق بین المللی پول نرخ تورم ایران به بیش از ۱۵ درصد خواهد رسید و این بالاترین نرخ تورم در میان کشورهای خاور میانه و شمال آفریقا پس از عراق قلمداد می شود.

مسئولین رژیم ولایت فقیه، بویژه دولت برگمارده ولی فقیه، راه برون رفت از بحران اقتصادی را گسترش خصوصی سازی و جلب سرمایه خارجی معرفی می کنند. در این باره در جناح بندی های رژیم علیرغم تفاوت هایی که موجود است، اتفاق نظر وجود دارد و کشمکش بر سر شیوه ها و تامین منافع لایه های گوناگون است. به عنوان مثال، علی نقی خاموشی، رئیس اتاق بازرگانی ایران، در مصاحبه با ایسنا به تاریخ ۱۸ مهرماه، از جمله می گوید: "یک تحرک پنج ساله اقتصادی چهره انقلاب و کشور را عوض خواهد کرد. هر چقدر سهم بخش خصوصی در اقتصاد بالا رود این مسایل به مراتب آسان تر شده و اینجاست که بخش خصوصی برای تدوین سیاست ها وارد عمل می شود. نظام سرمایه گذاری دولت بر اساس منابع خارجی است و بنابر این سیستم باید در بخش خصوصی هم به مورد اجرا گذاشته شود. بعد از انقلاب دست بخش خصوصی در دسترسی به منافع و سرمایه خارجی بسته شد و این مساله باید هر چه سریعتر حل شود...."

بسیاری دیگر از مقامات و کارشناسان وابسته به رژیم نیز حل معضل اقتصادی را در گرو تامین منافع بخش خصوصی و جذب سرمایه های خارجی [بخوان حضور انحصارات فراملی] می دانند. همین گروه عوام فریبانه می کوشند به اصطلاح سیستم "دولتی" که گویا دولت احمدی نژاد حامی آن است را ریشه اصلی مشکلات معرفی کنند. دولت احمدی نژاد بر خلاف تبلیغات دروغین، به هیچ روی مخالف خصوصی سازی و یا جذب سرمایه خارجی نیست. این دولت نیز نماینده لایه معینی از سرمایه داری ایران است و شعارهای اولیه آن مبنی بر عدالت طلبی و صرفا و صرفا با هدف خزیدن به قدرت و تسلط بر اهرم های حاکمیت عنوان می شد. این لایه غیر مولد و دلال سرمایه داری ایران اگر واکنشی نسبت به

انحصارات امپریالیستی و نوع رابطه با سرمایه داری جهانی از خود بروز می دهد، به هیچ رو به معنای ماهیت ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری آن نیست، بلکه این واکنشی دقیق و هدفمند برای دفاع از سرمایه داری مسلط کنونی در ایران است و تاکید می کنیم به هیچ روی سمت و سوی ترقی خواهانه و مثبت ندارد.

ما بارها یاد آوری کرده ایم که در ارزیابی پدیده های بغرنج سیاسی اجتماعی و اقتصادی کشور بویژه در برخورد با مسایل مبرم اقتصادی و در توضیح ماهیت جناح های مختلف حکومتی و برنامه های آنان نباید در سطح پدیده ها لغزید و از ارزیابی طبقاتی عدول کرد، ماهیت حاکمیت نقش قاطع در خصلت و نقش بخش دولتی دارد. به عبارت دقیق تر وقتی از سمت گیری اقتصادی - اجتماعی رژیم و بخش دولتی و خصوصی و جز اینها سخن می میان می آید نباید فراموش کرد که عملکرد اقتصادی این یا آن نیرو در خلاء و خارج از چارچوب مناسبات معین صورت نمی گیرد، بلکه منافع این یا آن لایه و طبقه را تامین می کند، لذا این خصلت طبقاتی حاکمیت دولتی و سمت گیری سیاسی آن است که هدف بخش دولتی و طریق نیل به آن و در نتیجه ماهیت تجدید تولید را معین می سازد.

به این ترتیب ما با پدیده فرا طبقاتی روبرو نیستیم. دولت احمدی نژاد و سیاست های اقتصادی آن از این قاعده مستثنی نیست به همین سبب ماهیت اجتماعی و اقتصادی بخش دولتی تحت هدایت این جریان چیزی جز سرمایه داری دولتی رانت خوار و ضد مردمی و غیر مولد نبوده نمی تواند باشد، بطور مثال برنامه اخیر دولت احمدی نژاد که از آن به عنوان "انقلاب" در سازمان مدیریت و برنامه ریزی یاد می شود یعنی صدور فرمان رئیس جمهور مبنی بر الحاق سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان به استانداری های کشور که واکنش های مختلف و متفاوتی را در میان جناح بندی های حاکمیت برانگیخته، چیزی نیست جز اقدامی هدفمند در چارچوب سمت گیری اقتصادی - اجتماعی ضد ملی رژیم ولایت فقیه و در راستای تامین منافع و تحکیم سلطه لایه های معینی از سرمایه داری کشور.

اهمیت این اقدام را وزیر کشور دولت ارتجاع، مصطفی پور محمدی چنین بازگو ساخت: "باور کنیم این قدم دولت نهم قدمی بسیار بزرگ، پر تنش و پر حاشیه است که در مقام اجرا بسیار سخت است... این فرمان جزء اقدامات بزرگ در نظام اداری کشور است که دولت های قبل (رفسنجانی و خاتمی) نیز به دنبال آن بودند ولی نتوانستند به دلایلی به آن عمل کنند..."

این اقدامی است که در سطح برنامه ریزی و اداره کلان کشور ما، سازمان مدیریت و برنامه ریزی را با یک چالش ماهیتی روبرو ساخته و روبرویی حاد میان جناح بندی های رژیم را به نمایش می گذارد. در این خصوص و در تایید این ادعا، مسعود روغنی زنجانی که خود از رئیس سابق سازمان مدیریت و برنامه ریزی در دولت های پیشین جمهوری اسلامی است، طی مقاله ای با عنوان گروه های سیاسی به سازمان مدیریت نظر دادند که به تاریخ ۷ آبان ماه در روزنامه سرمایه انتشار یافت، تاکید می کند: "سازمان برنامه محلی است که در آنجا منابع کشور تخصیص می یابد و گروه های ذی نفوذ سیاسی - اجتماعی با شیوه تخصیص این سازمان منتفع و یا متضرر می شوند. بنابر این در یک نظام تصمیم گیری سیاسی همه گروه ها و افراد نسبت به عملکرد آن حساس می شوند."

واقعیت اینست که با روز کار آمدن دولت دست نشانده ولی فقیه، باندهای هوادار این دولت با تکیه بر اهرم های حکومتی از همان آغاز برنامه تقویت موقعیت خود را با تضعیف پایه های اقتصادی - اجتماعی جناح های رقیب با پیگیری دنبال کرده اند. تغییرات در سازمان مدیریت برنامه ریزی کشور، اتخاذ یک رشته سیاست های عوام فریبانه مانند سهام عدالت، تضعیف مالی و اقتصادی جریانانی مانند خانه کارگر و برخی انجمن های اسلامی اصناف و ماجرای بانک پارسیان از این زاویه قابل تحلیل و ارزیابی است. در مساله بانک پارسیان بر خلاف تبلیغات مرتجعان حاکم، مساله مخالفت با بانک خصوصی و مبارزه با اختلاس و رانت خواری نبود. احمدی نژاد و هواداران او به خوبی درک کرده اند که برای تضعیف پایگاه اجتماعی جناح های دیگر باید نبض اقتصاد کشور را در دست داشت و از آنجائیکه یکی از اصلی ترین راه های کنترل اقتصاد کشور و تسلط کامل بر آن، نفوذ و در چنگ داشتن سیستم بانکی است، بانک پارسیان را نشانه رفته، علیه آن دست به اقدام زدند.

در دیگر موارد، از جمله واگذاری رسمی سهام عدالت که همایش سراسری آن با بوق و کرنای بسیار در رسانه ها بازتاب یافت، نیز ماجرا بر همین منوال است. دولت احمدی نژاد طی هفته های اخیر مرحله اول واگذاری سهام عدالت را در قالب همایش رسمی با سخنان رئیس جمهور آغاز کرد و در این باره داود دانش جعفری وزیر اقتصاد در جریان این همایش طی یک سخنرانی اعلام داشت: "ابلاغ سیاست های بند ج اصل ۴۴ قانون اساسی از سوی مقام رهبری چراغ راهنمای روشنی بوده که دریچه جدیدی را برای اقتصاد کشور باز خواهد کرد، اجرای طرح سهام عدالت با هدف انتقال مالکیت دولتی به مردم و تسریع در روند خصوصی سازی .... و کاهش اندازه بخش دولتی است ...."

کوتاه سخن: دولت احمدی نژاد با شتاب و به شکلی پی گیرانه و در چارچوب سمت گیری اقتصادی - اجتماعی رژیم ولایت فقیه به تضعیف موقعیت دیگر جناح ها و تقویت مواضع لایه های سرمایه داری مدافع خود مشغول است، اینست واقعیت پس پرده شعارهای دروغین و عوام فریبانه واپس گرایان!

## رای مردم به ادامه ی اصلاحات در برزیل



”لوئیز ایناسو لولا دا سیلوا“، رئیس جمهوری برزیل، در دور دوم انتخابات این کشور، به رغم کارزار وسیع نیروهای راست و اتهام های متعددی که از سوی مخالفانش به طرفداران او در مورد خرید آرا در انتخابات قبلی نسبت داده شده بود، توانست با کسب ۶۱ درصد آرا، پیروزی قاطعی را در برابر رقیب خود از حزب سوسیال دمکرات، جرال دو آلمکین، به دست آورد. بیش از ۱۲۶ میلیون نفر در این انتخابات شرکت کردند و نظر سنجی های پیش از انتخابات نیز پیروزی ”لولا“، کاندیدای ائتلاف ”حزب کارگران برزیل“ و دیگر نیرو های چپ و از جمله ”حزب کمونیست برزیل“ را پیش بینی کرده بودند. پیروزی لولا از این نظر حائز اهمیت است که نشان داده شد که اصلاحات در راه منافع زحمتکشان برای مردم این کشور ملموس بوده است و به رغم فشارهای سیاسی و تبلیغات وسیع بر ضد دولت او، مردم از روند پیشرفت در زندگی اجتماعی و اقتصادی خود آگاه شده اند و تاثیر آن را به طور مشخص در زندگی خود لمس کرده اند. نتیجه انتخابات نشان داد که زحمتکشان برزیل از نیروهایی که در راه منافع آنها تلاش می کنند، دفاع خواهند کرد. زمانی که ”لولا“ در ژانویه ۲۰۰۳ به پیروزی رسید، ” بدهی های خارجی برزیل ۲۳۶ میلیارد دلار، یعنی برابر با ۴۶.۵ درصد از تولید ناخالص ملی برزیل، و نرخ تورم نیز برابر با ۱۲ درصد بود. در سال ۲۰۰۵، بنا به گزارش بانک مرکزی، بدهی خارجی برزیل ۱۸۵ میلیارد دلار بود و تخمین زده می شود که در سال ۲۰۰۶ به ۱۷۰ میلیارد دلار و در سال ۲۰۰۷ به ۱۶۳ میلیارد دلار کاهش یابد“ (خبرگزاری پریسنا، لاتینا ۱ اکتبر ۲۰۰۶).

لولا همچنین در برنامه های خود در مبارزه با فقر و بیسوادی، طرح ارایه ی کمک مالی به خانواده های خیلی فقیر را به اجرا در آورد که طبق آن ” در هر ماه ۳۰ دلار به خانواده های فقیر اختصاص داده می شود که فرزندان خود را ماهیه کوبی (واکسینه) کنند و آنها را به مدرسه بفرستند. به گزارش سی.ان.ان. ۲۸ اکتبر ۲۰۰۶ : ”[این طرح] ماهیانه ۳۲۵ میلیون دلار را در میان ۴۵ میلیون خانواده ی برزیلی تقسیم می کند. این برنامه به میلیونها برزیلی کمک کرده است تا از فقر نجات یابند.“ همچنین در برنامه های اجتماعی دولت لولا، حداقل دستمزدها به طور جدی افزایش یافته است و موقعیت های شغلی بیشتری فراهم آمده است، که سبب شده تا ” میزان فقر از ۲۷.۳ درصد در سه سال به ۱۷ درصد کاهش یابد. (پریسنا لاتینا، ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۶). طرح دیگر مبارزه با سوء تغذیه بود که برای اولین بار در برزیل توسط دولت لولا صورت گرفت. بنا به تحقیقات انجام شده از طرف دولت، دانشگاه های عمومی و ”سازمان یونسف“، تایید شده است که ”...سوءتغذیه در میان کودکان، به ویژه در شمال شرقی کشور که فقیر ترین منطقه ی برزیل است، از ۱۷.۹ درصد به ۶.۶ درصد کاهش یافته است.“ سیاست های اقتصادی لولا نه تنها باعث ثبات بیشتر در برزیل شده است، بلکه همچنین باعث تحکیم روابط با دولت های مرفعی این قاره و در نتیجه شکست سیاست های سلطه طلبانه ی اقتصادی آمریکا در منطقه بوده است. لولا با عدم پذیرش طرح آمریکا برای ایجاد ”منطقه ی آزاد تجاری“، در عمل این طرح را با شکست مواجه ساخت. برزیل در عوض، روابط اقتصادی خود را با کشورهای چون ونزوئلا، بولیوی، شیلی، آرژانتین، و ... گسترش داده است. از دیگر برنامه های دولت لولا، مبارزه با خصوصی سازی در کشور و حفظ صنایع مادر در مالکیت عمومی بوده است. انتقاد شدیدی او از کاندیدای نیرو های راست، ”آلمکین“، مبنی بر این که او در صورت پیروزی در انتخابات تلاش خواهد کرد تا خصوصی سازی را گسترش دهد و طرح ”فقر زدایی“ لولا را ملغی سازد، آنچه که جمعیت وسیعی از مردم برزیل را تحت پوشش قرار می دهد، نیز در همین رابطه بود. ”لولا“ پس از اعلام پیروزی برای دومین دوره ی ریاست جمهوری، در حالیکه پیراهن سفیدی به تن داشت که بر روی آن نوشته شده بود: ”این پیروزی برزیل است“، به مردم قول داد که رشد کشور را گسترش دهد، از نابرابری های اقتصادی بکاهد و کشور را در ردیف کشورهای پیشرفته ی جهان قرار دهد. او گفت: ”در دور دوم ریاست جمهوری من، کار بهتری از دوره ی اول صورت خواهیم داد ... بنیان ها آماده هستند و ما باید کار کنیم. (اسوشیتد پرس، ۳۰ اکتبر). او در سخنرانی های انتخاباتی خود برای دور دوم نیز گفته بود: ”اگر پیروز شوم، آمریکای جنوبی واحد پیروز خواهد شد.“ او قول

## کارزار کمونیست های اسرائیل بر ضد

### جنگ در نوار غزه

#### به محاصره غزه پایان دهید! جنگ را متوقف کنید!

در پی بمباران و یورش های دائمی نیروهای اسرائیلی، اوضاع در نوار غزه به مرحله ای اضطراری رسیده است. خدمات آب رسانی تقلیل یافته و کمبود برق، مواد دارویی و غذایی بشدت مشاهده می شود و فقر و بیکاری، تعطیلی مدارس و اختلال در تأمین نیازمندی ها شدت گرفته اند. حملات اخیر نیروهای تهاجمی اسرائیل، پیامدهای محاصره نوار غزه از سوی این کشور و تحریم های تحمیلی جامعه جهانی را بدتر کرده است. اگر این محاصره ادامه یابد ما بزودی با شیوع بیماری ها و عوارض کم غذایی و هرج و مرج روبرو خواهیم شد.

به کارزار اعتراض جهانی ما بپیوندید. جامعه سازمان های صلح اسرائیل با همکاری در یک کارزار بزرگ و مشترکی خواهان پایان بخشیدن به محاصره نوار غزه و شروع گفتگو با نمایندگان رسمی فلسطین شده اند. اسرائیل و جامعه جهانی باید انتخاب سیاسی مردم فلسطین را بپذیرند.

به محاصره پایان دهید. جنگ را متوقف کنید!

در سراسر ماه نوامبر: به اقداماتی از قبیل روشننگری، آگاهی رسانی، جمع آوری امضاء، پخش اعلامیه دستی و دیواری دست بزنید.

۲ ماه دسامبر: تظاهرات سراسر در دنیا

از شما می خواهیم که در این اقدامات انسان گرایانه و سیاسی ما با همراهی کنید. در روزهای باقی مانده این ماه تا دوم دسامبر که روز برگزاری تظاهرات سراسری در دنیا فرا می رسد به روشننگری و آموزش در مناطقی که بسر می برید اقدام کنید. به جمع آوری طومار و ارسال نامه های پستی و نامبر به نمایندگان منتخب خود دست بزنید. ما را از برنامه و اقدامات خود مطلع سازید تا بتوانیم با نگارش آنها در تارنماهایمان، توانایی های خود را افزایش دهیم. این اطلاعات را به آدرس [debbyl@actcom.co.il](mailto:debbyl@actcom.co.il) بفرستید.

همچنین می توانید با ابتکاراتی مانند تهیه برچسب، پوستر، اعلامیه های اطلاعاتی، و برگزاری تظاهرات کوچک در مقابل ساختمان های نخست وزیری، اتحادیه اروپا، سفارت های کشورهای گوناگون، و در مقابل دفترهای اعضای مجلس قانون گذاری اسرائیل، اعتراض های خود را سازماندهی کنید. اقداماتی در جهت افزایش آگاهی و خبر رسانی انجام دهید و با گذاشتن فشار بر دولت های آمریکا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا و توسل به تصمیم سازان و جامعه مدنی اروپا و آمریکا، از آنها بخواهید که دولت هایشان از تحریم دست بکشند.

#### سازمان دهندگان این کارزار

این کارزار از سوی ائتلاف زنان برای صلح که از سازمان های New Profile و Bat Shalom, Machsom Watch و دیگران تشکیل گردیده است. سازمان های فعال دیگر Anarchists Against the Wall, Gush Shalom, Hadash, High School Seniors Draft Refusers, Rabbis for Human Right, University Student Coalition و Yesh Gvul هستند.

برای اطلاعات بیشتر با

Debby Lerman

debbyl@actcom.co.il یا تلفن ۰۷۰۴ - ۴۵۷ - ۵۲

+۹۷۲ تماس بگیرید.

## انتخابات نیکاراگوئه، ضربه ای دیگر بر نولیبرالیسم



نیاز خود برای جنگ با عراق، از طریق اسرائیل، حاضر شده ها میلیون دلار به ضدانقلابیون کنتر کمک مالی بدهد. حضور نورت در نیکاراگوئه، مانند سیلی بر صورت مردم این کشور است، چرا که بر اساس طرح های او ده ها هزار مردم این

کشور کشته شدند و اقتصاد کشور به نابودی کشیده شد. به گزارش "گرانما"، ۱۲ آبان ماه، اولیور نورت در ماناگوآ، در حالی که با "خوزه ریوز"، کاندیدای حزب حاکم عکس می گرفت، در سخنان تهدیدآمیزی خطاب به مردم نیکاراگوئه گفت که پیروزی اورتگا "پایانی برای نیکاراگوئه است" و به طور مستمر تکرار کرد: "من فکر می کنم که همه باید به این مسئله توجه کنند." پیروزی اورتگا، نه تنها راه گشای اصلاحات و تحولات مردمی به نفع مردم این کشور خواهد بود، بلکه همچنین در توازن نیروها در قاره ی آمریکا نیز تاثیر خواهد گذاشت. "دانیل اورتگا" در سخنرانی ای که چند روز پیش از انتخابات، در شهر "لئون" در ۹۰ کیلو متری ماناگوآ داشت، خطوط اصلی سیاست های خود را، در صورت پیروزی، اعلام کرد و قول داد که "ساندینیست ها، بودجه ی لازم را برای ایجاد کار، بهداشت و درمان بهتر و آموزش و پرورش، تضمین خواهند کرد."

برنامه هائی که در خلاف جهت سیاست های نولیبرالی دولت های حاکم بر این کشور در طی ۱۶ سال گذشته است. پیروزی ساندینیست ها در این انتخابات، و حضور نیکاراگوئه در کنار سایر کشورهای منطقه که با سیاست های نولیبرالی تحمیل شده از سوی امپریالیست ها، به ویژه آمریکا و اهرم های فشار آنها، (سازمان تجارت جهانی، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی)، مخالف هستند و مسیر رشد دیگری را برای کشورشان انتخاب کرده اند، در عمل ضربه ای به طرح های ایالات متحده در منطقه است. به دنبال عدم موفقیت ایالات متحده در تحمیل طرح "فتتا" (NAFTA)، این بار قرار داد "CAFTA" (قرارداد تجارت آزاد آمریکای مرکزی)، نیز با خطر شکست روبرو شده است. طی یک سال گذشته، ساندینیست ها، تبلیغات وسیعی را در مخالفت با این قرار داد سامان داده اند (این قرار داد سال گذشته از سوی دولت نیکاراگوئه پذیرفته شد). پیروزی دانیل اورتگا و جبهه ساندینیستی، در ائتلاف با سایر نیروها، ادامه موج نوینی است که در کشورهای آمریکای لاتین و جنوبی در برابر سیاست های نولیبرالی و ایجاد شرایط ضرور به نفع زحمتکشان و تهی دستان به حرکت در آمده است که به دنبال شرایط جدید در مسیر ایجاد تحولات مثبت و مردمی است.

ساندینیستی توانست حول محور شعار های مشخصی برای ایجاد رفاه و اتحاد ملی حتی بخشی از نیروهای محافظه کار، و از جمله جناحی از نیروهای وابسته به کنتر و جناح راست را گرد هم آورد. اورتگا با سازماندهی یک برنامه انتخاباتی حساب شده و کسب ۴۰ درصد آراء در همان مرحله اول در حالی که آراء مخالفانش تقسیم شده بود، نتیجه انتخابات را از آن خود کرد. ایالات متحده مایل بود که انتخابات به دور دوم کشیده شود که در جریان آن نیروهای راست بتوانند با یک کاسه کردن آراء خود بار دیگر مانع تجلی یافتن اراده زحمتکشان نیکاراگوئه بشوند. سازمان های بیطرف ناظر بر روند انتخابات نظر یکپارچه خود بر اجرای سالم رای گیری در روز ۱۴ آبان ماه و شمارش آرا و عادلانه بودن نتایج را اعلام کرده اند. و این در حالی است که دولت آمریکا از قبول نتیجه انتخابات طفره می رود و به تهدیدات خود ادامه می دهد. نتایج این نظر سنجی ها "زنک خطری" برای آمریکا شد، و موجب گردید تا اعزام مهرب های سیاسی و نظامی خود و همچنین با توسل به تهدید های سیاسی و اقتصادی، تلاش کند که از پیروزی "اورتگا" جلوگیری کند. به گزارش روزنامه آبرورور، در ۷ آبان ماه: "سفیر آمریکای پاول تریولی، به طور رسمی نیکاراگوئه را تهدید کرد که اگر او (اورتگا) پیروز شود، پیامدهای سنگینی برای این کشور در بر خواهد داشت." در همین حال، بنا به گزارش روزنامه انگلیسی گاردین: "کاخ سفید تهدید کرده است که اگر دانیل اورتگا پیروز شود، ایالات متحده تمامی سرمایه گذاری های خود در این کشور را لغو خواهد کرد و همزمان وزارت کشور به شهر و ندان خود (آمریکایی ها) اخطار کرد که در روز ۵ نوامبر (۱۴ آبان ماه) و یا بعد از آن، در صورت بروز خشونت و درگیری، آنها بی که در آنجا زندگی می کنند، از خانه خارج نشوند و آنها بی که قصد رفتن به آنجا را دارند، نروند." به دنبال چنین تهدید هایی و چنین شرایط بود که، سرهنگ "اولیور نورت"، مامور ویژه ی آمریکا و افسر عالی رتبه ی این کشور، وارد ماناگوآ، پایتخت نیکاراگوئه، شد. نورت مشاور امنیت ملی دولت ریگان و برنامه ریز عملیات جنگ غیر قانونی و کثیف دولت آمریکا بر ضد دولت منتخب و قانونی اورتگا بود که سرانجام توانست با به خاک و خون کشیدن این کشور، از طریق تجهیز نظامی و مالی گروه ضد انقلابی کنتر، شرایط روانی اجتماعی برای شکست دولت اورتگا را بوجود آورد. سرهنگ اولیور نورت، از طراحان ماجرای افتضاح آمیز "ایران-کنتر" بود که طی آن رژیم ایران در مقابل دریافت تسلیحات مورد

مردم نیکاراگوئه، یکی از فققرزده ترین کشورهای جهان، در جایی که بیش از نیمی از مردم آن در زیر خط فقر و با درآمدی کمتر از دو دلار در روز زندگی می کنند، در روز ۱۴ آبانماه به پای صندوق های رای رفتند تا سرنوشت خود و کشورشان را تعیین کنند و بتوانند شرایط زندگی خود را به سوی بهتر شدن تغییر دهند. در روز ۱۴ آبان، مردم نیکاراگوئه، خسته از وعده ها و قول های بی پشتوانه و بی نتیجه ی دولت های راست وابسته به آمریکا که در ۱۶ سال اخیر بر این کشور حاکم بوده اند، با برگزیدن "دانیل اورتگا"، امید خود به اینکه دولت چپ بتواند بر پایه برنامه عدالت خواهانه خود تحولات مثبتی را در نیکاراگوئه سازمان دهد، به صریح ترین لحن بیان کردند. "دانیل اورتگا"، رهبر مشهور جبهه انقلابی ساندینیستی، درانتخابات سال ۱۹۹۰، پس از جنگ ده ساله ویران کننده ای که از سوی شورشیان کنتر، که مستقیماً از طرف آمریکا کنترل، هدایت، پشتیبانی و تامین می شدند، بر کشورش تحمیل شد، قدرت را از دست داد. جنگی که نتیجه ی آن کشته شدن بیش از ۳۰ هزار نفر و اضمحلال اقتصادی کشور بود. مردم نیکاراگوئه با علم به اینکه دولت آمریکا تا زمانی که جبهه ساندینیستی بر سر قدرت است، جنگ را ادامه خواهد داد، و برای خاتمه دادن به روند نابودی کشور و به امید اینکه ایالات متحده به وعده هایش برای کمک به باز سازی کشور پس از کنار رفتن ساندینیست ها از قدرت عمل خواهد کرد، به ادامه حمایت از کاندیداتوری اورتگا اصرار نورزیدند. مردم نیکاراگوئه از جنگ خسته شده بودند. پس از آن، طی شانزده سال گذشته و تحت حاکمیت رژیم های در خدمت آمریکا، این کشور به یکی از فققر زده ترین کشورهای جهان تبدیل شده است. به گزارش خیرگزاری گراناما، در ۱۲ آبانماه: "رقم بیکاری نزدیک به ۵۰ درصد است. ۴.۲ میلیون نفر در فقر کامل به سر می برند، ۳۵ درصد مردم بیسواد هستند، هشتصد هزار کودک جایی در سیستم آموزشی ندارند و روزانه بیش از ۱.۵ میلیون نفر در گرسنگی به سر می برند." این ها مظاهر و ارمان های ۱۶ سال حکومت دولت های سرمایه داری و وابسته به آمریکا برای مردم نیکاراگوئه بوده است. نظر سنجی های پیش از انتخابات، پیروزی دانیل اورتگا و سازمان های ائتلافی در اطراف او را پیش بینی کرده بودند. ائتلافی که در آن جبهه ی

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
آدرس های اینترنت و "ای-میل" http://www.tudehpartyiran.org  
E-Mail: dabirkhaneh\_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 751  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

9 November 2006

شماره فاکس و تلفن  
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰  
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRANe.V.  
شماره حساب 790020580  
کد بانک 10050000  
بانک Berliner Sparkasse